

## وقایع پس از استبداد صغیر و اعزام

### محصلین ایرانی بسوئیس

از تمام جریانات و کوشش هائیکه از دوره ناصری برای ایجاد يك مجلس شورای ملی ورهائی ملت ایران از مظالم سلطنت استبدادی آغاز گردیده بود بگذریم و تمام تحولات و مندرجات جرائد آزادیخواه داخل و خارج از کشور را که در پایتخت و ولایات و یادرممالکی چون عثمانی ویا در فرانسه بنفع آزادی و تأسیس نوعی مجلس ملی بادهای باز بنگریم و اجر مجاهدت متفکران و نویسندگان غیور و راد مردان تاریخی را که در راه آزادی رسالات و مقالاتی را با قلم سحر خویش منتشر ساختند و روحیه عده دیگری از منور الفکران را تحریک و تشویق نمودند باز هم بگذریم در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه یکی از همان راد مردان اعلم الدوله بود که پس از تقرب زیاد توانست شاه را بیش از هر زمان بصدور فرمان نهائی و چندی بعد بتوشیح قانون اساسی ( نظامنامه ) مجبور نماید . باید دانست که توشیح این نظامنامه بسیار دشوار و برخلاف صدور فرمان شاه مریض و نحیف را بسیار ناراحت ساخته بود ولی بکوشش و تلقینات طیب خود که بیش از هر کس ولو پسرش ولیعهد از اوشنوائی داشت قانون اساسی ایران بتوشیح رسید و دست و کلا باز شد و مجلس شورای ملی بکار افتاد و در فاصله دو ماه در صدور فرمان و توشیح نظامنامه و کلا بالاتکلیف مانده و کاری جز صحبت های خصوصی و کله از تاخیر نظامنامه نداشتند تفصیل این جریانات بطور خلاصه

در چند شماره مجله خواندنیهای سنوات گذشته مندرج و مفصل تر از آن با امید پروردگار در آینده نزدیکی منتشر خواهد گشت درین مقاله منظور نگارنده این سطور روشن ساختن جریانات مابعد یعنی قسمتی از تحولات فرهنگی ایران بعد از استبداد صغیر میباشد که آنهم بکوشش همین اعلم الدوله بوقوع پیوست .

پس از آنکه پدرم اعلم الدوله بر اثر تهدیدهای مکرر شفاهی و کتبی محمد علیشاه ناچار به مهاجرت بفرانسه گردید و در باد کوبه وی را مأموران محمد علیشاه میخواستند بقتل برسانند و بوسیله شریف الدوله قنصل باد کوبه آگاه شده و مخفیانه با اهل و عیال شبانه باره آن بگریخت و خود را بیاریس رسانید و پس از آنکه در بیاریس انجمنی بنام ایران جوان تشکیل داده و ایرانیان مقیم فرانسه را علیه شاه مستبد برانگیخت و در انتظار سقوط حکومت استبدادی روز شماری مینمود اطلاع یافت که محمد علی شاه بکلی از کشور ایران خارج شده و حامیان مشروطه از هر سو بجانب پایتخت شتافته و این عمل موجبات معاودت وی را بمیهن تسهیل نموده است و از سوئی نیز شاهزاده عضد الملک نایب السلطنه بازگشت اعلم الدوله را خواستار شده است بدین ترتیب اعلم الدوله که اعتماد کاملی باین شاهزاده معمر و آزادمنش میداشت با کمال شغف و تعجب خود را بتهران رساند و بی درنگ پست ریاست بلدیة (جدید التأسیس قانونی) را بدو سپردند ولی این شغل هم برای او پایدار نمانده و عده ای بخصوص عمال محمد علیشاه هنوز با وی مخالفت میورزیدند و در خفا او را تهدید مینمودند و بازارها را بدون جهت بخاطر ارزان شدن نان و یا گران شدن تخته مینمودند اعلم الدوله بناچار استعفا داده و در اثناء تغییر تبدیل مقام نیابت سلطنت و تعویض آئیننامه ناصر الملک بود که اعلم الدوله، نگارنده این سطور و مرحوم حسن خان برادر موعزت اله خان بیات و مصطفی خان البرز و عباس خان دقتری را باتفاق علی جان زکی خانی پیشکار خود بسویس رسانده و در شهر لوزان به پانسیون سپرده بود که در آن پانسیون آقای احمد خان ملک ساسانی و حسن خان مقدم (نویسنده پیس جعفر خان از فرنگ آمده) و ابوالحسن خان دیبا نیز در آن زندگانی مینمودند و تحصیل میکردند و

آقای ساسانی موجبات آموزش ما را فراهم آورده بودند و تحت توجهات ایشان به تحصیل پرداختیم و پس از آن اعلم الدوله بایران بازگشت.

پس از يك سال بامقام کنسول ایران بسوئیس معاودت نمود در آن زمان در سوئیس سفارتخانه وجود نداشت و تمام امور تجاری و تحصیلی متعلمان ایرانی بعهده همین قنصلخانه بود که استقرارش بعوض آن که در برن Bernه پایتخت سوئیس باشد در شهر لوزان Lausanne قرار گرفت قنصل کبری در شمال خیابان شهر بالای خیابان (اورس Ours) در ویلاي بسیار زیبایی بود بنام ویلامنتالگر Villa montalegre no-2 نمره يك آن متعلق بخود صاحب این ویلاها بود بنام مسیوتارن (Tarin)

باری اعلم الدوله را عده‌ای از خوانین بختیاری قانع نمودند که فرزندانشان را با خود بسوئیس ببرند و بدین قصد با يك عده دیگری غیر بختیاری چندین کالسکه چارپا تهیه نموده و يك گروه محصل که قریب سی و چند تن بودند عازم اروپا گردیدند .  
بتفصیل مسافرت و وقایع مختلفه آن و چگونگی طرز تحصیل و تحولات و نتایج و سرانجام این محصلین که پس از يك سال بمحصلین اعزامی گروه دوم اضافه گردیده‌اند و بمعاضدت آقای ساسانی هر چند تن آنان پانسیون جداگانه سپرده شدند جای خود دارد و تفصیل آن بطول میانجامد که آنرا هم بنوبه خود بوقت دیگری موکول می‌نمایم .

اسامی این محصلین بشرحی است که در صفحه بعد نوشته شده و ضمناً توضیح میدهیم که قبل از عزیمت این گروه چندین محصل دیگر با خرج دولت علیه بسوئیس رفته بودند و در نوشاتل و ژنو اقامت گزیده بودند ایشان عبارت بودند از میرزا علی اکبرخان داور و میرزا نصراله خان جهانگیر و مهندس رضاقلی خان سپاهی و چند تن دیگر که بخاطر ندارم و غالباً در لوزان ماندند .



### ردیف اول نشسته از راست بچپ

- ۱- یکی از پیشکاران بختیاری ۲- حبیب‌اله خان اسفندیاری ۳- داوود مشکوتی
- ۴- علیرضا خان امیراکرم (پسر سردار محتشم) ۵- حاجی علیقلی خان سردار اسعد ۶- محمد خان (سرتیپ اسعد) پشت سرش چراغعلی خان صمصام ۷- احیاءالملک (شیخ) ۹- حسین تقفی اعزاز (پسر اعلم الدوله تقفی)

- ردیف ۲ نشسته ۱- درویش ۲- میرزا زبیرک ۳- اعلم الدوله تقفی
- (جنرال قونسول درسوئیس) ۴- امین ۵- خانبابا خان اسعد ۶- اسماعیل مرآت
- ۷ و ۸- رفیع امین و برادرش ۹- غلامحسین زیرک زاده ۱۰- امیر حسین خان ایلخان ظفر

- ردیف ایستاده از راست بچپ ۱- فتحعلی خواجه نوریان (پسر نظم الدوله)
- ۲- جواد بوشهری (امیر همایون) ۳- حسن تقفی (پسر اعلم الدوله تقفی) ۴- مصطفی البرز
- ۵- مهندس رضاقلی سپاهی ۶- میرزا ابوطالب خان (مهندس) ۷- علی محمد خان سالار
- ظفر (پسر سردار ظفر) ۸- رضا بوشهری (سنا تور فعلی)